

اصلاح الگوی مصرف، راهکاری بسوی توسعه پایدار

حسین انصاری و نرگس صالح‌نیا

^۱ عضو هیات علمی دانشکده کشاورزی، گروه مهندسی آب، دانشگاه فردوسی مشهد

مشهد، ایران

Ansari_hos@yahoo.com

^۲ دانشجوی دوره دکتری اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد

مشهد، ایران

Salehnia_n@yahoo.com

چکیده

ارتقاء مصرف و تولید پایدار بعنوان ابعاد مهم توسعه پایدار مطرح می‌باشند. بیست و یک امین ماده مورد بحث کنفرانس ملل متحد در خصوص توسعه اقتصادی (UNCED) که در سال ۱۹۹۲ برگزار شد، الگوهای تولید و مصرف ناپایدار را عامل اصلی دانسته که در اقتصادهای صنعتی موجب زوال و تخریب محیط زیست جهانی می‌شود. این ماده همچنین عنوان می‌دارد که به منظور تضمین یک توسعه پایدارتر، لازم است که در الگوهای مصرف و تولید تغییراتی بوجود آید. در ادامه از سایر کشورهای جهان نیز خواسته شده که در سیاست‌گزاریهای خود اولویت اول را دستیابی به الگوهای مصرف پایدار قرار داده و به این مهم توجه داشته باشند که استفاده کارآ از منابع و اتخاذ روشهایی با آلودگی کمتر در زندگی روزمره، امری امکانپذیر است. در اجلاس جهانی توسعه پایدار (WSSD) که در ژوهانسبورگ برگزار شد نیز ضرورت تغییر الگوهای تولید و مصرف ناپایدار به عنوان موضوعی با اهمیت مطرح و اشاره شد که الگوهای موجود تولید و مصرف کشورها ناپایدار می‌باشند چرا که به تخلیه منابع جنگلی، ماهیگیری، آب زیرزمینی و تنوع زیستی، آلودگی هوا، آب و اکوسیستم پرداخته و موجب تغییرات حاد اقلیمی می‌گردد. تخریب محیط زیست در همه نقاط دنیا در حال وقوع است. به همین جهت و با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله به بررسی الگوی مصرف با تاکید بر مصرف پایدار پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان دادند که بدون وجود مصرف پایدار، توسعه پایدار امری محال و غیرممکن است و باید مصرف پایدار به عنوان موضوعی مهم در دستور کار حاکمیت چه در سطح ملی و چه بین‌المللی قرار گرفته و باور عمومی باید بر این ایده استوار گردد که افزایشهای پدید آمده در بهره‌وری منابع، به تنهایی جهت ایجاد توسعه پایدار کافی نمی‌باشد. نتایج ارزیابی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که تغییرات در مقیاس و الگوی مصرف ضروری بوده و به عواملی از قبیل انتظارات، انتخابها، رفتارها و سبک زندگی مصرف کنندگان بستگی دارد و این گونه عناوین به صورت عناصر کلیدی در ظهور مفهوم مصرف پایدار مطرح می‌باشند.

کلمات کلیدی

الگوی مصرف، توسعه پایدار، مصرف پایدار، محیط زیست.

۱- مقدمه

- بخش اعظمی از جمعیت دنیا در قرن ۲۰ از تغییر در

کیفیت زندگیشان بازمانده‌اند.

- بهبود استاندارد اقتصادی زندگی ضرورتاً منجر به پیشرفت

در کیفیت زندگی نمی‌گردد.

از سال ۱۹۹۲ تلاش در جهت حرکت به سمت الگوهای مصرفی پایدارتر افزایش یافته است بطوریکه در هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌توان شاهد این امر بود. افزایش مصرف بواسطه یک میلیارد مصرف‌کننده در کشورهای توسعه یافته و ۸۰۰ میلیون مصرف‌کننده با درآمد متوسط و بالا در کشورهای در حال توسعه موجب

از اوایل دهه ۱۹۷۰، مصرف بعنوان یکی از موضوعات مهم در سیاست بین‌المللی مطرح بوده است. در سال‌های اخیر، اثرات زیست‌محیطی مصرف، بخصوص در مباحث بین‌المللی توسعه پایدار، توجه زیادی را به خود معطوف داشته است. نگرانی‌های عمده‌ای را که در این خصوص وجود دارد، می‌توان در سه دسته خلاصه کرد که عبارتند از:

- رشد مصرف در حال تخلیه منابع معدنی و تجدیدپذیر بوده و موجب لطمات غیرقابل جبران به محیط‌زیست می‌شود.

وارد آمدن فشارهای گسترده‌ای بر منابع طبیعی و محیط‌زیست شده است.

تولید و مصرف پایدار

پیرو ماده ۲۱ کنفرانس ملل متحد در خصوص توسعه اقتصادی که الگوهای پایدار مصرف و تولید را بعنوان دلیل عمده تخریب محیط زیست جهانی معرفی کرد، تولید و مصرف پایدار همواره در راس سیاست‌های بین‌المللی قرار گرفته است. تولید و مصرف به‌شدت بهم مرتبط می‌باشند؛ تولیدکنندگان از طریق طراحی و بازاریابی محصولات خود، مصرف را تحت تاثیر قرار می‌دهند و مصرف‌کنندگان نیز بنوبه خود از طریق انتخاب‌هایشان بر تولید تاثیر می‌گذارند. اما باید توجه داشت که مصرف پایدار بطور مستقیم بر عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی جانب تقاضای اقتصاد تمرکز دارد. اقدامات جانب تقاضا می‌تواند به کاهش میزان هدررفت و اسراف بینجامد. از اینرو، مصرف پایدار می‌تواند باعث شود که کالاها و خدمات در راستای هدف توسعه پایدار، ایجاد شوند. باور عمومی بر آن است که افزایش در بهره‌وری منابع، به‌تنهایی جهت توسعه پایدار کافی نمی‌باشد بلکه تغییر در مقیاس و الگوی مصرف نیز ضروری می‌باشد. دستیابی به این امر به عواملی از قبیل تحت تاثیر قرار دادن کارایی صنعت، عملکرد کسب‌وکار و طراحی کالاها و نیز انتظارات، انتخاب‌ها، عوامل رفتاری و سبک زندگی مصرف‌کنندگان، بستگی دارد. اینگونه موارد از جمله عناصر کلیدی می‌باشند که در ورای مفهوم « مصرف پایدار » واقع شده‌اند.

بدون وجود مصرف پایدار، توسعه پایدار امری محال و غیرممکن می‌باشد. تاکید تولید پایدار بر جانب عرضه معادله و نیز تمرکز بر ارتقاء عملکرد زیست‌محیطی در بخش‌های کلیدی اقتصادی مانند کشاورزی، انرژی، صنعت توریسم و حمل‌ونقل می‌باشد. مصرف پایدار با بیان جانب تقاضا، به بررسی این امر می‌پردازد که چگونه کالاها و خدمات تولیدی به برآورده ساختن نیازهای اساسی می‌پردازند و بدین ترتیب باعث بهبود کیفیت زندگی مانند غذا، بهداشت، مسکن، پوشاک، فراغت شده که در راستای این امر می‌توان موجب کاهش فشار وارد آمده بر ظرفیت موجود کره زمین شد. هدف مصرف پایدار عبارت از کاهش هزینه‌های سربار زیست‌محیطی است که در نتیجه استفاده از کالا و خدمات پدید می‌آیند. اقدامات جانب تقاضا نیز می‌توانند به کاهش مسائل اکولوژیکی ناشی از کالا و خدمات در چرخه زندگی بیانجامند.

تاریخچه مفهوم « مصرف پایدار »

مصرف پایدار، بعنوان موضوعی مهم در راس دستورکار سیاست‌های ملی و بین‌المللی قرار گرفته است. تغییر از الگوهای مصرف ناپایدار جهت دستیابی به هدف توسعه پایدار بسیار حائز اهمیت است. دو دهه گذشته شاهد رشد شگرفی در سطح جهانی تولید و مصرف بوده است. واقعیتی که در ارتباط با تولید و مصرف قابل توجه است، تنزل همزمان کیفیت زیست‌محیطی در همه نقاط دنیا می‌باشد. ایجاد الگوی مصرف پایدارتر، امر آسانی نبوده اما بعنوان چالش مهمی جهت علم و جامعه، مطرح می‌باشد. در کنفرانس جهانی توسعه پایدار (WSSD) که در

سال ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ برگزار شد نیز از جوامع بین‌المللی خواسته شد تا در جهت بهبود شرایط زندگی جهانی تلاش نموده و بمنظور ایجاد و پیشرفت یک برنامه ۱۰ساله در خصوص تولید و توسعه پایدار (SCP)* و در حمایت از نهادهای ملی و منطقه‌ای در سرعت بخشی به این فرآیند، همت گمارند. کنفرانس جهانی توسعه پایدار نیز عنوان داشت که ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در شیوه مصرف و تولید جوامع جهت دستیابی به توسعه پایدار جهانی، امری اجتناب ناپذیر می‌باشد.

واژه‌شناسی مصرف پایدار به کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ برمی‌گردد که بطور رسمی در مباحث سیاستی وارد شد. معضل تولید و مصرف ناپایدار نیز در طرح عملیاتی مربوط به دستور کار ماده ۲۱ کنفرانس ریو، ارائه شد که بموجب آن کلیه دولتها به بررسی در خصوص مفهوم جدیدی از ثروت بپردازند که به استانداردهای بالاتر زندگی از طریق تغییر سبک و شیوه زندگی کمک نموده، بطوریکه این استانداردها کمتر به منابع محدود کره زمین وابسته باشند.

در بخشی از ماده مذکور، مصرف پایدار بعنوان چالشی عمده در دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده و الگوی ناپایدار تولید و مصرف از عمده‌ترین دلایل تخریب و زوال محیط‌زیست جهانی عنوان شده است. همچنین باید توجه داشت که تولید و مصرف کاملاً بهم مرتبطند. لذا، برای اولین بار کلیه کشورهایی که در کنفرانس مذکور شرکت داشتند به این توافق رسیدند که دستیابی به هدف بزرگ توسعه پایدار بدون تمرکز بر مصرف پایدار امری محال و غیرممکن بنظر می‌رسد.

کنفرانس جهانی توسعه پایدار (WSSD) در ژوهانسبورگ ضرورت «تغییر الگوهای مصرف و تولید ناپایدار» را بعنوان مسئله مهمی مدنظر قرار داد. از اینرو در منشور اجرایی آن در کلیه سطوح اجرایی به اقداماتی اشاره شده که بمنظور تشویق و بهبود توسعه چارچوب یک برنامه ده‌ساله مورد نیاز بوده و همچنین حمایت نهادهای ملی و منطقه‌ای در تسریع حرکت به سمت تولید و مصرف پایدار و پیشرفت توسعه اقتصادی و اجتماعی، به کمک ظرفیت اکوسیستم موجود و اجتناب از تخریب محیط زیست از طریق ارتقاء کارایی و پایداری استفاده از منابع و فرآیندهای تولید و کاهش تخریب منابع و آلودگی نیز از جمله موارد مورد نیاز می‌باشند. کلیه کشورها باید اقداماتی را به‌مراه کشورهای توسعه یافته بکار بندند که در این خصوص لازم است نیازمندیها و توانمندیهای کشورهای در حال توسعه را لحاظ نموده و کلیه منابع مالی و فنی و نیز ایجاد ظرفیتهای لازم برای این کشورها را هم مدنظر قرار داد.

تغییر الگوهای مصرفی

سبک زندگی و الگوهای مصرفی در طول قرن گذشته تغییر کرده است و این تغییر همگام و همراه با رشد تکنولوژی، امور زیربنایی، بازارها، سیستم قانونی، فرهنگ و ساختار اجتماعی بوده است. بنظر می‌رسد که این تغییر عمدتاً در یک جهت صورت گرفته باشد: به سمت سطوح

* - Sustainable Consumption & Production

افزایش یافته مصرف و سطوح بالاتر استفاده از منابع، که البته این مسئله علیرغم افزایش کارایی منابع بوده است. الگوهای مصرفی از شکل تجملی بصورت نرمال و در نهایت به شکل نیازهای اساسی مشاهده شدند. مصرف کل انرژی علیرغم پیشرفت کارایی در صنعت و وسایل مصرف کننده انرژی، در حال افزایش است. این افزایش مصرف انرژی موجب تشدید و پررنگ تر شدن بسیاری از مشکلاتی قبلی زیست محیطی مانند باران اسیدی، هوای کثیف شهری، و گرم شدن کره زمین گشته است. کشتزارهای دنیا روبه زوال بوده و ذخایر آبی جهت آبیاری نیز از سال ۱۹۹۰ در حد بسیار کمی رشد کرده اند. در اکثر کشورهای صنعتی، الگوهای مصرفی موجود ناپایدارند زیرا آنها نیازمند بسیاری از منابع بوده، منجر به بسیاری از انتشارات آلودگی شده و تاثیرات اجتماعی را در کشورهای در حال توسعه برجای می گذارند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، الگوهای مصرفی ناپایدار می باشند زیرا مصرف جهت برآورده ساختن نیازهای اساسی کافی نمی باشد. یکی دیگر از دلایل ناپایداری الگوی مصرف در این کشورها را می توان اینگونه بیان کرد که این الگوها بر مبنای بهره برداری بیش از حد و تخلیه منابع استوار بوده و از اینرو اثرات جانبی ناسازگار متعددی مانند فرسایش و نمک زایی خاکها را به همراه دارند.

الگوهای مصرف پایدار الگوهای مصرفی هستند که به برآورده ساختن نیازهای اساسی پرداخته، به افراد این آزادی را می دهد که خودشان را بهتر بشناسند و در عین حال بدون مصالحه ظرفیت موجود کره زمین، قابلیت تکرار را در طی زمان دارا باشند.

در دومین نشست جهانی اسلو (۱۹۹۵) عنوان شده است که: «اصطلاح مصرف پایدار بمنابۀ چتری است که بسیاری از مباحث و عناوین کلیدی مانند برآورده ساختن نیازها، افزایش کیفیت زندگی، ارتقاء کارایی منابع، کاهش زباله، اتخاذ چشم انداز کل دوران زندگی و لحاظ بعد عدالت را گرد هم می آورد؛ ترکیب این بخش ها با هم مسئله اساسی است که بدنبال آن باید چگونگی ایجاد خدمات مشابه یا بهتر بمنظور برآورده ساختن نیازهای اساسی زندگی و تمایل به ارتقاء وضعیت نسلهای جاری و آتی در نظر گرفته شود و این مسائل باید بگونه ای باشد که بطور مستمر به کاهش ضررها و ریسک آن برای سلامت افراد بشر نیز توجه داشته باشد».

در سال ۱۹۹۵، کمیسیون سازمان ملل در زمینه توسعه پایدار، توسعه پایدار را به اینصورت تعریف می کند: «استفاده از خدمات و محصولات مرتبط که نیازهای اساسی را برآورده می سازند و کیفیت بهتری را برای زندگی به ارمغان آورده مادامیکه استفاده از منابع طبیعی و مواد سمی، و انتشار آلودگی و زباله ها در طول کل دوره زندگی کاهش یافته، بنحویکه نیازهای نسل آتی مورد مخاطره واقع نشود».

این تعریف بیانگر دو بعد مهم از مسئله پایداری می باشد: بعد اجتماعی (مانند، ملاحظات توزیعی و عدالت) و بعد زیست-محیطی (مانند منابع طبیعی، آلودگی ها و زباله ها).

سه استراتژی اصلی جهت دستیابی به مصرف پایدار وجود دارد که

عبارتند از: کارایی، جانشینی و کاهش. اولین استراتژی تاکید دارد که توسعه و بسط یک تکنولوژی جدید و کارا تر بعنوان یک پیش شرط جهت مصرف پایدار مطرح است. دومین استراتژی بمنظور دستیابی به هدف مصرف پایدار، حمایت و دفاع از ایجاد تغییراتی در الگوهای مصرفی را راهکار مناسبی می داند. سومین استراتژی نیز بر این مسئله تاکید دارد که لازم است تا سطح بالا و فزاینده مصرف را در جهت مخالف تغییر دهیم.

فشارهای زیست-محیطی بر مصرف خانوارها

افزایش و رشد مصرف می تواند منجر به وارد آمدن خسارات عمده زیست-محیطی شود. تغییر و اصلاح رفتار مصرفی به سمت پایداری نیازمند اعمال تغییراتی از جانب کلیه فعالان موجود در جامعه است. خانوارها بعنوان یکی از فعالان عمده موجود در خصوص تولید و مصرف پایدار می باشند: آنها در زنجیره تولید-مصرف دارای نقش مهمی می باشند که باعث ایجاد بسیاری از فشارهای زیست-محیطی می گردد. در طی چند دهه گذشته، مصرف خانوار افزایش یافته و شکل آن نیز بطور فاحشی تغییر کرده است. تغییر الگوهای ناپایدار مصرف خانوار در دستیابی به هدف توسعه پایدار عاملی بسیار اساسی می باشد. با توجه به نظر OECD (۲۰۰۲)، مصرف خانوار بعنوان مصرف کالاها و خدمات مختلف توسط خانوارها تعریف می شود که شامل انتخاب، خرید، استفاده و فعالیتهای مرتبط با تعمیر، نگهداری، بازیافت و دفع هرگونه کالا یا خدمتی می باشد.

تاثیرات زیست-محیطی مصرف خانوارها را می توان تحت سه عامل مهم تقسیم بندی نمود:

- سطح مصرف؛
- ترکیب مصرف؛ و
- شدت زیست-محیطی کالاها و خدمات تولید شده برای مصرف، که شامل اثرات مستقیم و غیرمستقیم می باشد.

تاثیرات زیست-محیطی یک خانوار عبارت است از کلیه فشارهای مستقیم مانند تشعشعات و آلودگی های صانع شده ناشی از احتراق و سوخت بنزین خانوارها و نیز فشارهای غیرمستقیم مانند آلودگی هایی که با تولید کالاها و خدمات مصرف شده توسط خانوارها بوجود می آیند. آلودگی های مستقیم ایجاد شده، آلودگی هایی هستند که با مصرف انرژی توسط کالاها مورد استفاده خانوارها مرتبطند که این انرژیها عبارتند از: الکتریسیته، گاز، نفت، گازوئیل و سایر مواد گرمازا. آلودگی های غیرمستقیم نیز با تولید کلیه کالاها مورد مصرف خانوارها از قبیل وسایل خانه، البسه، مواد غذایی، خدمات ... می باشند. آلودگی های غیرمستقیم در صنایعی رخ می دهد که به تولید این کالاها می پردازند.

کل CO₂ منتشر شده توسط خانوار i بصورت ذیل می باشد:

$$E_i = E_{ih} + E_{ip}$$

که در آن: E_i کل CO₂ منتشر شده توسط خانوار i، E_{ih} میزان CO₂ مستقیم منتشر شده توسط خانوار i و E_{ip} نیز میزان CO₂ غیرمستقیمی است که توسط خانوار i منتشر می شود.

مصرف پایدار در سطح فردی

مصرف پایدار در سطح فردی به معنی تغییر در عقیده، سبک زندگی و الگوی مصرف اشخاص منحصر بفرد، بطریقی می‌باشد که منابع موجود برای نسلهای آتی کاهش نیابد. مصرف پایدار به دلیل رشد نمایی جمعیت، امری لازم و ضروری است؛ بعلاوه باید توجه داشت که بسیاری از جریانهای آلودگی و منابع فراتر از حد پایدارشان رشد یافته‌اند. برخی از اقتصاددانان بر این باورند که مصرف تنها دلیل تولید کالاها و اشیاء است، ازاینرو، در اقتصاد بازار، مسئولیت جلوگیری از کاهش کیفیت محیط زیست برعهده مصرف‌کننده است. بمنظور فهم مصرف پایدار، شناسایی آندسته از کالاها یا خدماتی که مقدار بسیار کمی بر رفاه می‌افزاید یا هیچگونه رفاهی را برای بشر ایجاد نمی‌کنند ضروری است و همچنین ارزیابی اثرات کاهش مصرف آنها بر استفاده از منابع طبیعی و بشری نیز لازم بنظر می‌رسد.

در کشور ما نیز بمنظور تعیبه مصرف پایدار، لازم است که افراد در تغییر سبک زندگی و رفتار مصرفیشان بطور مستقل از هم رفتار کنند. در طی دهه گذشته آگاهی شهروندان نسبت به مشکلات و ملاحظات زیست-محیطی جهت محیط زیست رشد یافته است. مردم می‌توانند بعنوان یک مصرف‌کننده به تغییر سبک زندگی در جهت مصرف پایدار بپردازند. مصرف‌کنندگان قادرند تا از طریق تقاضا برای کالاهایی که در تولید آنها کلیه ملاحظات اجتماعی و زیست-محیطی درنظر گرفته شده است به تغییر در رفتار بازار بپردازند.

روشهای ارزیابی اثرات زیست-محیطی

مصرف بعنوان آخرین و بینش‌هایی در ارتباط با صدمات و ضررهای زیست-محیطی مرتبط با فعالیت‌های بشری ارائه گشته است که ذیلاً به معرفی نهایی‌ترین عاملی است که از جانب افراد بشر باعث ایجاد کلیه صدمات و آسیبها به محیط‌زیست می‌شود. در زمینه اثرات مصرفی مرتبط با مسائل زیست-محیطی، مطالعات گسترده‌ای صورت گرفته است. روشهای مختلفی نیز جهت ایجاد برخی از آنها می‌پردازیم.

تحلیل سیکل زندگی (LCA)

تحلیل سیکل زندگی به مطالعه اثرات زیست-محیطی ناشی از تولید، استفاده و زباله‌های مرتبط با محصولات و کالاها می‌پردازد. LCA به ارائه مکانیسمی جهت بررسی و ارزیابی این اثرات در کل فرآیند از استخراج مواد اصلی و اولیه از طبیعت، کلیه فعالیت‌های تولید جانی جهت مواد و ترکیبات، مونتاژ، توزیع، استفاده از کالا و مدیریت پایان دوره عمر محصول (که ممکن است بصورت دفع، استفاده مجدد و بازیافت باشد) می‌پردازد. LCA، کلیه اثرات وارد آمده بر زمین، آب و هوا در محیط‌زیست را لحاظ می‌کند. این دیگاه و بینش کلی حاصله یکی از منافع اصلی روش تحلیل سیکل زندگی است. نتایج مطالعات LCA بیانگر تصمیمات خرید، طراحی محصول، انتخاب فرآیند و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با محیط‌زیست است. این قسم از ارزیابی به

تولیدکنندگان می‌تواند کمک نماید که به کاهش اثرات زیست-محیطی ناشی از محصول در کل دوره زندگی آن بپردازند. ارزیابی سیکل زندگی شامل سه گام تحلیلی مشخص می‌باشد: تعیین فرآیندهای مرتبط با سیکل زندگی یک کالا، تعیین فشارهای زیست-محیطی (انتشار آلودگی، استفاده از منابع و...) ایجاد شده در هر یک از این فرآیندها، و ارزیابی اثرات زیست-محیطی در مقابل شاخصهای تاثیر.

تحلیل داده-ستاده (IOA)

تحلیل داده-ستاده یک چارچوب تحلیلی است که در اواخر دهه ۱۹۳۰ توسط واسیلی لئون تیف[§] ابداع شد و اساساً بگونه‌ای طراحی شده که قادر به تحلیل وابستگیهای متقابل بین صنایع در یک اقتصاد می‌باشد. امروزه، تقریباً در کلیه کشورهای دنیا گردآوری و استفاده از جداول داده-ستاده در حسابداری درآمد ملی بعنوان یک روش استاندارد مطرح بوده و بطور معمول هم از این روش در تحلیل اقتصاد استفاده می‌شود. از اواخر دهه ۱۹۶۰، تحلیل داده-ستاده بسط یافت تا به بیان روابط اقتصاد و محیط‌زیست و بخصوص تمرکز بر استفاده از انرژی و آلودگی بپردازد.

تحلیل هیبریدی

تحلیل داده-ستاده یک روش محاسباتی سریع است اما به دلیل استفاده از جداول داده-ستاده، روش خیلی جامعی نیست. تحلیل فرآیند نیز یک روش بسیار دقیق‌تر، اما مشکل‌تر می‌باشد. ترکیبی از عوامل تحلیل فرآیند و تحلیل داده-ستاده منجر به ایجاد روشی به نام تحلیل هیبریدی می‌شود. روش هیبریدی بدنال استفاده از مزایا و کاهش مضار ناشی از دو روش قبلی است. این روش ما را قادر می‌سازد تا به ارزیابی عوامل مختلف تعیین‌کننده آثار زیست-محیطی ناشی از مصرف در کلیه سطوح ملی، محلی و خانوار بپردازیم.

حرکت بسوی استراتژی توسعه پایدار

انگیزه‌های قیمتی، افزایش آگاهی، و قراردادهای اختیاری منعقد شده با صنعت جهت دستیابی به مقیاس و میزان تغییر مورد نیاز جهت مصرف در حرکت بسوی یک جامعه پایدار کافی نمی‌باشد. کاهش‌های پایدار جهانی در استفاده از منابع، نیازمند سطوحی از انگیزه‌های قیمتی می‌باشد. بسیاری از انگیزه‌های موجود در افراد و گروههای مشتاق تا حدودی بدلیل تضادهای موجود بین سیاست‌ها و برنامه‌های بخشهای مختلف دولتی از بین رفته‌اند. یکی از چالشهای عمده دولت‌ها عبارت از ایجاد سیاستها و اقداماتی در بخشهای مختلف (مانند: ساخت خانه‌ها و جاده‌ها، کشاورزی، اشتغال، تحصیل و انرژی) بصورت همسو و هماهنگ در جهت اهداف مصرف پایدار می‌باشد.

سیاستهای خرید پایدار بخش مهم دیگری از یک استراتژی مرتبط با مصرف پایدار می‌باشد. خریدهای دولتی نشانه‌ها و علائم قوی را جهت سایر بخشهای جامعه در خصوص اولویتهای دولت ارائه می‌دهد. این مسئله همچنین می‌تواند بصورت یک اهرم مهم جهت تشویق و تهییج

* - Input-Output Analysis (IOA)

§ - Wassily Leontief (1930)

† - Life Cycle Analysis (LCA)

منحصر بفرود استوار باشند چراکه، این مهم برای توسعه پایدار و نیازهای مرتبط با تغییرات سبک زندگی امری لازم است. توسعه پایدار از طریق مصرف پایدار، از لحاظ هزینه‌ای کارا بوده زیرا که تغییرات مورد انتظار از جانب افرادی صورت می‌پذیرد که مصرف‌کنندگان توانمندی هستند و باید خاطرنشان کرد که وقوع این تغییر امر آسانی نیست.

مراجع

- [1] Durk S. Nijdam, Harry C. Wiltng, Mark J. Goedkoop, and Jacob Madsen (2005), Environmental Load from Dutch Private consumption. How much Damage Takes place Abroad", Journal of Industrial Ecology, Volume 9, Number 1-2, P-147.
- [2] OECD, 2002, "Towards Sustainable Household Consumption Trends and policies in OECD countries, Organisation for Economic Cooperation and Development".
- [3] OECD (1999) "Towards more sustainable Household consumption Patterns – Indicators to measure progress".
- [4] Report of the Kabelvag workshop, "Consumption in a sustainable world" Norway, June 1998.
- [5] Sudarkodi, K. (2009). "Achieving Sustainable Consumption for Sustainable Development: Issues and Solutions". Online at <http://mpru.ub.uni-muenchen.de/15755/>.
- [6] Sustainable Development Commission (2003), Policies for sustainable consumption, a report to the sustainable Development Commission, 20th May 2003.
- [7] UNDS Un Division for Sustainable Development, Department of Economic and Social Affairs (1998), "Measuring Charges in Consumption and Production Patterns. Background papers for the workshop on Indicators for charging consumption and production patterns-2-3 March 1998, New York.
- [8] <http://www.jri.org.uk/brief/consumption/htm>.
- [9] <http://www.york.ac.uk/inst/sei/Is/Swtain.html>
- [10] <http://www.un.org/esa/sustdev/sdisues>
- [11] <http://www.oecd.org>
- [12] <http://www.un.org/esa/sustdev>.
- [13] www.indecol.ntnu.no.

به سمت ارائه و معرفی کالاهای پایدار و کاهش هزینه‌ها بشمار رود. برخی از مهمترین حوزه‌های خرید می‌تواند شامل ساخت‌وساز، انرژی، خدمات حمل‌ونقل و غذا باشد. در این راستا پیشنهاد می‌شود که دولت به تدوین خط‌مشی‌ها و اصولی جهت تولیدکنندگان هر منطقه بپردازد تا بموجب آن باعث شود آنها به ارائه خدمات در حوزه‌های خود بپردازند.

بمنظور اطمینان از اینکه سیاستها و فعالیتهای دولتی کجا و چگونه در جهت حمایت از این استراتژی عمل نکرده باید به بازمی‌بینی‌ها و رسیدگی‌های دوره‌ای و معمول توجه داشت. این امر ممکن است از جانب یک نهاد مستقل یا یک شرکت مشاور انجام پذیرد؛ در صورتیکه بخواهیم استراتژی اتخاذی کاملاً کارا و مؤثر باشد، دولت‌ها باید از یافته‌های بدست آمده عبرت گرفته و بر اساس آنها عمل نمایند. ارائه و توسعه سیاستهای کاملاً همسو و متجانس نیز امری مهم بوده اما ممکن است این کار باعث ایجاد فرآیندی کاملاً آرام می‌شود که این خود نیازمند اعمال حساسیت و مدیریت قوی است.

مقامات مسئول عمومی در سطوح جهانی، ملی، منطقه‌ای و محلی می‌توانند پایداری تولید و مصرف را بواسطه ایجاد چارچوبی تحت تاثیر قرار دهند که از ورای آن، تجارت و مصرف‌کنندگان می‌توانند فعالیت نمایند. ابزار مورد نیاز جهت این امر عبارتند از:

- ابزار قانونی و نظارتی (مانند دستورالعملها، قوانین و مقررات)؛
- ابزار مبتنی بر بازار (مانند مالیاتها و دیون، میزان تجارت، مجوزها و سوبسیدها)؛
- ایجاد پیشرفتهای تکنولوژیکی؛ و
- در دسترس بودن اطلاعات.

نتیجه‌گیری

حرکت به سمت توسعه پایدار بطور کلی، و به سمت مصرف پایدار خانوار بطور خاص، امر دشواری است. این مهم نیازمند یک چارچوب سازگار و دقیق جهت شناسایی پایدارترین سبک‌های زندگی و الگوهای مصرفی می‌باشد. در این راستا کشورها طیف وسیعی از ابزار سیاستی در بخشهای خاص را بکار گرفته‌اند تا به مدد آنها از اثرات منفی زیست-محیطی تغییر الگوهای مصرف جلوگیری نموده یا به جبران آنها بپردازند. این طیف از استراتژیهای جانب تقاضا شامل افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان تا اقداماتی که به تشویق الگوهای تولیدی کارای اقتصادی و سیاستهای کالا می‌انجامند و شامل استفاده گسترده از تحلیل سبک زندگی و مسئولیتهای تولیدکنندگان می‌شوند، گسترده شده‌اند. بمنظور تحت تاثیر قرار دادن الگوهای مصرفی، دولت‌ها می‌توانند ارقانونگذاری، نظارت و ابزار اقتصادی و اجتماعی استفاده نمایند. دستیابی به توسعه پایدار نیازمند تلاشها و زحمات قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. در این راستا انجام اصلاحات مصرفی در مقیاس جهانی اجتناب ناپذیر است. به‌هرحال، این اصلاحات نمی‌توانند بطور ساده برنامه‌ریزی شوند؛ بلکه باید بر مبنای پذیرش آن از جانب کلیه اشخاص